دورنمای ایران (مطالعه جراید)

آن آن ایرانیان که دور ایز وطن خود و خصوصا در فرنگستان و آمریکا مقیم هستند با کمال توجـ ه و حسّاسیّت زیاد چشم بسوی اخبار مرز و بوم‏ خود داشته و از خوبی و بدی آن اخبار شادمان و یا اندوهگین،سربلند و یا سرافکنده میشوند.لهذا شاید احساسات این قسمت از ابنای وطن‏ که در میان بیگانگان زندگی میکنند اهمیّتی در ایران داشته باشد و در نظر بعضی میزانی باشد برای تمیز حسن و قبح پاره‏ای کارها در یک سرزمینی‏ که گاهی هیچ میزانی برای زشتی و زیبائی امور اجتماعی نیست و غالبا حسن‏ و قبح اشیاء و امور را ذاتی نمیدانند.این خود یک نکتهء فلسفی است‏ بر این آن اقوام و هیئتهای اجتماعی که در داخل خود هیچ اساس محکم اخلاقی‏ ثابت و میزان سنجش ندارد(و اگر هم داشته متروک شده است)و بهترین مثل برای آن شاید مسئلهء حرکت زمین است که سکنهء آن مانند کرم توی سیب ممکن نبود حرکت را بفهمند اگر یک میزان و مقیاس ثابت‏ خارجی از کواکب ثابته موجود و مرئی نبود که ما را ملتفت تغییر محلّ‏ نسبت بآن نقاط ثابت خارج از محیط دایرهء خودمان بنماید.همینطور است‏ امروز حالت اخلاقی و علمی در ایران که اگر خوشبختانه یک نقطهء نورانی ثابتی در مغرب زمین که خارج از دایرهء حکم خوانین ایران و دور از دست‏رس و(بقول خودشان)بسط ید قاضیان کفر و ایمان‏ و حقّ و ناحقّ و صواب و خطا(با حقّ انحصار)میباشد موجود نبود داو طلب اثبات کرویّت زمین یا وجود امریکا یا قبح برده‏فروشی در نطنز و گلپایگان بواسطهء اجماع مسلمین(که از ادّلهء اربعهء اصول است)برخلاف‏ او و خجلت در محضر شرع و عرف بالاخره دیوانه میشد.

بهمین سبب است که ما میخواهیم گاهی در زیر عنوان فوق بعضی‏ احساساتی را که ایرانی در اروپا از اخبار مملکت خودش حاصل میکند بنگاریم و در این باب هیچ غرضی نداریم جز ببیداری هموطنان خصوصا بصدای غایب و دور افتاده و بیغرضی که مانند صدای اموات خارج از قبر مبّرا از شائبه بوده و مؤثّر تواند شد.

اخبار اخیره که در جراید ایران دیده میشود بطورکلّی و رویهمرفته‏ دو علامت خوب نشان میدهد یکی سعی در برقراری امنیّت و قطع ریشهء دزدان و راهزنان و اشرار ولایات که یکی از بهترین مئآثر این عهد است‏ و در واقع باید دولت ایران را باین اعلان جنگ که بدزدان آشکار و رسمی‏ کرده تبریک گفت و کامیابی و فتح او را در این جهاد امنیّت بر ضدّ دودمانهای قطّاع الطّریق که از عهد سام نریمان و افراسیاب تا امروز مسلّط بر رعایای بدبخت ایران هستند آرزو کرد.دوّم خبر بسیار خوش‏ و بلکه خوشترین کلّ اخبار است که در جراید متوالیّا دیده میشود از اهتمام‏ در امور مدارس و علوم که در هر شماره از جراید ایران دیده میشود: مخارج مدرسهء خوانسار و بودجهء معارف یزد حواله شد،برای تأسیس‏ مدرسه در کردستان اقدام شد،میزان خرج مدرسهء شیراز افزوده‏ گشت.....الخ.اینهاست که تأثیرات یزدانی است و ایران را براه‏ غلبهء باهریمن میبرد و اینهاست که ایرانیان دور افتاده را در غربت دلشاد و باافتخار مینماید.

برعکس اینست آنچه دیده میشود از وحشیگریهای هولناک که‏ بقایای دوره‏های قدیم در گوشه و کنار برای یادآوری عهد عزیز خان‏ سردار کلّ و حکّام سفّاک چهل سال قبل در مثله کردن مردم قدرت‏ نمائی میکنند.برای این فقره دو قطعه نمونه از جراید ایران را ذیلا درج میکنیم:

«اعظم السّلطنه رئیس کاکاوند ضعیفه‏ای را بجرم سرقت موزر پستان‏داغ نموده‏ و انواع و اقسام زجر و اذیّت را دربارهء او مجری داشته است.»

[نقل از روزنامهء«رعد»شمارهء 152] از طرف دیگر شیوع بعضی عادات غیرمشروع و ظلمانی است که با کمال تأسّف دیده میشود بجای زوال بر رواج خود میافزاید.برای‏ مثال این‏گونه امور خارج از شرع و عقل و تمدّن نیز نمونهء ذیل را نقل‏ میکنیم.

«استراباد:در این سنوات بواسطهء فشار روسها و دماغ‏سوختگی اهالی چین‏ عزاداری پرشور و هیجانی در استراباد نشده بود ولی چون طرز دستجات اینجا طرز غریبی است و تماما با چوب و چماقهای عظیم جست‏وخیزهای فوق العاده میکنند ثقة السّلطنه معاون حکومت برای آموختن طرز عزاداری یک دستهء دولتی ترتیب داده‏اند. ...یک زنگ بزرگ که گویا ناقوس کلیسا بوده است تراکمه قبل از محرّم بطور قاچاق آورده بودند جماعتی آن زنگ را برای سقّاخانهء حضرت عبّاس بمبلغی خریداری‏ نموده و بالای درخت چناری که در وسط تکیه واقع است آویخته تا یکی دو روز اوایل‏ محرّم زنگ را بصدا درآورده که در تمام شهر صدای آن شنیده میشد و چون وصلهء مذهبی و متعلّق بخارجه بود حکومت توسّط آقا میرزا محمّد مهدی مجتهد زنگ را توقیف‏ نمود و گویا آقا میرزا محمّد مهدی هم خودشان تلگرافی بمقام ریاست وزرا مخابره نموده‏ و تکلیف خواسته‏اند.»

[نقل از روزنامهء«رعد»شماره 153،مورخهء 20 محرّم 1338] وقتیکه این‏گونه اخبار شرم‏انگیز را با آنچه نمایندگان دولت و ملّت‏ ایران در خارجه برای احقاق حقوق ایران در مجامع و جراید برای‏ اثبات متمدّن بودن ایران و استحقاق او باستقلال و آزادی میگویند و مینویسند مطابقه کنید انسان پیش خود قدری خجل میشود.این‏ بیچارگان سعی دارند نشان بدهند ملّت ایران بهیچ وجه وحشی و متعصّب‏ نیست ولی از آنطرف نه‏تنها رئیس کاکاوند بلکه والی پایتخت قدیم ایران‏ عملا آنانرا تکذیب میکنند.اینک قطعهء اقتباس از قول نمایندهء بزرگ ایران:

اعلیحضرت همایونی در نطق خود در گیلدهال(ادارهء بلدیّهء لندن)در 26 محرّم 1338 چنین فرمودند:«من نمایندهء یک وضع و ترتیب جدید مبنی باساس حریّت‏ هستم که ملّت من از آن وضع منتظر تجدّد و اصلاح و احیای مملکت خود میباشد، آن تجدّد و اصلاحی که تا حال بواسطهء نفوذهای ناموافق جلوگیری شده بود.»

[نقل و ترجمه از روزنامهء«تیمس»لندن مورّخهء 3 نوامبر 1919 میلادی]

قتل اجتماعی

بالأخره در 18 جمادی الأولی 1338 عهدنامهء صلح رسما از طرف‏ دول متّفقه تصدیق گردید و دیگر میتوان گفت که روزگار جنگ سپری‏ شد و از نو صلح و آشتی که حالت طبیعی هیئت اجتماعیّه است برقرار گردید. مسئلهء اینکه آیا میشود که روزی نوع بشر برای تصفیهء امور و رفع‏ مرافعات خود محتاج باین نباشد که از هر طرفی هزارها بلکه کرورها اشخاص مسلّح بعزم ریختن خون و ویران نمودن کاشانهء همدیگر راه افتاده و آتش و خون بجان و مال همدیگر بزنند و بوسیلهء قلع و قمع طرف‏ ادّعای خود را بخیال خود مشروع نموده و نتایج زحمت سالیان دراز فکر و کار یک قومی را عاطل و باطل گذاشته و باسم اینکه فتح کردیم و دیگر در مملکت دشمن جز زنان بیوه و کودکان ناتوان جانداری باقی نگذاشتیم‏ شادمان و سرافراز بخانهء خود برگردند،این مسئله از یک طرف طرفداران‏ بسیار و از طرف دیگر معارضین زیاد دارد که هرکدام برای اثبات مدّعای‏ خود دلیلها آورده و تحقیقاتی مینمایند که ذکر آنها خارج از مقصود ماست. از جملهء طرفداران صلح که اعتقاد محکم دارند که جنکگ هم مانند همهء بقایای عهد وحشیگری بتدریج در مقابل ترقیّات عوالم معنوی نوع بشر از میان خواهد رفت فلاماریون عالم و منجّم مشهور فرانسوی است که‏ در خیلی از کتابهای خود در خصوص سیّئات جنگ داد سخن را داده‏ و در آن باب احصائیّات عالمانهء بسیار مفیدی ترتیب داه است ما در اینجا محض نمونه بعضی از مطالب کتاب مشار الیه را که موسوم است به«آخر دنیا» بنظر خوانندگان میرسانیم:

فلاماریون را عقیه این است که جنگ پیش از قرن 25 میلادی یعنی تا 500 سال دیگر بکلّی منسوخ خواهد شد و میگوید در قدیم الایّام جنگ‏ عموما بین اهالی دهات بود و این‏گونه جنگها در قرن سیزدهم هجرت هم‏ در افریقای مرکزی دیده میشد ولی چون آن درجهء وحشیگری گذشت آن‏ گونه جنگ هم بتدریج از میان رفت و دهات باهم مع شده و بنای تشکیل‏ ایالتها را گذاشتند و جنگ بین این ایالت و آن ایالت شروع شد مثلا بین آتن‏ و اسپارت،رم و قرطاجنّه،پاریس و دیژن،لندن و ادمبورگ و غیره و غیره‏ و تاریخ رویهمرفته عبارت بود از شرح این جنگهای بین ایالتی.